

## دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۱۹، حفظ وعده

گاس کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه ۱۹، حفظ وعده است.

در حالی که سلطنت یهوشافاط با شکست ارتش‌های آمون، موآب و ادوم با یک نکته بسیار مثبت به پایان رسید، جنبه منفی‌تری در هر اتفاقی که می‌افتاد وجود داشت که در روایت سلطنت پسرش آشکارتر می‌شود.

ما اشاره کردیم که بین یهوشافاط و اخاب، پادشاه شمال، اتحادی وجود داشت و نتیجه آن اتحاد این بود که دختر شاه اخاب، عتلیا، با پسر یهوشافاط ازدواج کرد. این به نوعی بخشی از یک اتحاد سیاسی بود، حال، همه اینها توسط وقایع‌نگار به عنوان دانش فرض شده است، اما وقتی به داستان یهورام می‌رسیم، می‌بینیم که این اتحاد با شمال بسیار نزدیک به حذف همه فرزندان داوود از تخت سلطنت بود.

وقایع‌نگار از این نکته طفره نمی‌رود، زیرا درباره سلطنت یهورام، پسر یهوشافاط، برای ما می‌گوید. این موضوع می‌تواند کمی گیج‌کننده باشد زیرا پسر اخاب نیز یهورام بود. این رسم بود که همین نام داده می‌شد، که نشانه دیگری از رابطه نزدیک بین این دو پادشاه است.

از نقطه نظر سیاسی، اسرائیل ملت قدرتمندتری بود و اتحاد یهوشافاط با اسرائیل تا حدودی منطقی به نظر می‌رسید. اما از دیدگاه پادشاهی خدا، این یک چیز بسیار منفی و بد بود که به نحوه ارائه سلطنت یهوشافاط توسط وقایع‌نگار مربوط نمی‌شود، اما مطمئناً به سلطنت پسرش، یهورام، مربوط می‌شود. بنابراین، اولین چیزی که در سلطنت یهورام می‌بینیم، پاکسازی خاندان سلطنتی توسط عتلیا، ملکه، دختر ایزابل است.

ما همچنین شاهد به زیر سلطه درآوردن ادوم هستیم. به یاد دارید که داوود، ادوم را به بخشی از امپراتوری اسرائیل تبدیل کرد، اما البته ادوم همیشه در برابر این کنترل مقاومت می‌کرد و تلاش می‌کرد تا شاهزاده و حاکم خود را مستقل از اسرائیل داشته باشد. بنابراین، کاری که یهورام قادر به انجام آن است، و احتمالاً در اینجا تا حدودی نشان دهنده کمک متحدش در شمال اسرائیل است، به زیر سلطه درآوردن ادوم است، به این معنی که او دوباره می‌تواند از آن بندر، آن مرکز کشتیرانی بسیار مهم در عصیون-جابر، استفاده کند.

اما در اینجا جنبه‌ی منفی یهورام را داریم که در نامه‌ای وحشتناک از الیشع ارائه شده است. این یکی از جذاب‌ترین نکات در کتاب تواریخ است، این نامه‌ای که الیشع برای یهورام می‌فرستد. حال، از یک نظر، این ممکن است یک تناقض آشکار به نظر برسد، زیرا همانطور که از کتاب پادشاهان می‌دانیم، الیشع در زمان سلطنت یهوشافاط به بهشت منتقل شد.

این در دوم پادشاهان، فصل ۲ است. سپس در دوم پادشاهان، فصل ۳، جنگ علیه موآب را داریم. و بنابراین، به نظر می‌رسد که یهوشافاط کسی است که به جنگ می‌رود. اما در اینجا الیشع را داریم که هنوز در طول این جنگ حضور دارد و نامه‌ای وحشتناک به یهورام، پسر یهوشافاط، می‌فرستد. در واقع، وقتی پیچیدگی سیستم گاهشماری ارائه شده را درک می‌کنیم، این یک مشکل زمانی نیست.

اغلب دو پادشاه به دلایل بسیار موجهی همزمان حکومت می‌کردند. یک پادشاه در حالی که هنوز سلطنت می‌کرد، پسرش را به عنوان نایب‌السلطنه مشترک منصوب می‌کرد. در این مورد، دلیل احتمالاً این بود که یهوشافاط با تهدید موآب و عمون روبرو بود و پسرش در آن زمان بر تخت سلطنت نشسته بود.

بنابراین، در واقع، یهورام پیش از آنکه الیشع زنده باشد، توسط یهوشافاط به عنوان پادشاه منصوب شده بود. و در این میان، الیشع به جنگ با موآب رفت. اما الیشع به یهورام این هشدار را می‌دهد که پیروی او از راه مادرش عتلیا و آوردن رسوم شمال به یهودا کاملاً برخلاف کار و خواست خداست

و بنابراین، البته، آنچه او تجربه می‌کند، حملات فلسطینیان و اعراب است که به عنوان زوال حکومت و امپراتوری او توصیف می‌شوند. و در نهایت، او بر اثر یک بیماری دردناک می‌میرد. بنابراین، سلطنت یهوشافاط، ببخشید، سلطنت یهورام به خوبی پایان نمی‌یابد

اما این ما را به سلطنت اخزیا می‌رساند. او پسر یهوشافاط و پسر عتلیا، دختر ایزابل است. او تنها یک سال سلطنت کرد و در اتحاد با اسرائیل علیه حزائیل شرکت داشت

و به یاد خواهید آورد که او پادشاهی است که هنگام دیدار با اخاب، که در تلاش برای بهبودی از زخم‌هایی است که در نبرد با آرامی‌ها برداشته است، کشته می‌شود. این نقطه‌ای است که در آن یهو از جانب خدا، به تعبیری خاص، مأمور شده است تا مداخله کند و به نفوذ حکومت نوادگان عمونی، اخاب، و پسرانش، یهورام. و اخزیا، پایان دهد. و به این ترتیب، این پادشاه تنها در عرض یک سال کشته می‌شود

بنابراین، این نقطه‌ای است که تهدید علیه نوادگان داوود در سرزمین یهودا به پایان خود نزدیک می‌شود. تلاشی برای از بین بردن تمام وارثان تاج و تخت وجود دارد تا شمال بتواند جنوب را به طور کامل تصرف کند. اما همانطور که وقایع‌نگار به ما نشان خواهد داد، مداخله‌ای از سوی خدا صورت می‌گیرد و چراغی برای داوود حفظ می‌شود

این یکی از عبارات مورد علاقه اوست، اینکه خداوند مقدر کرده است که چراغی، نوری، که همان خاندان داوود است را حفظ کند. و بنابراین، خواهیم دید که چگونه این داستان در قسمت‌های بعدی ادامه می‌یابد

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه ۱۹، حفظ وعده است